

صدای انترناسیونالیستی پاسخ میدهد

تا رسیدن به شرایط انقلاب کمونیستی چه باید کرد؟



صدای انترناسیونالیستی

E-mail: internationalist.voice@gmail.com

Homepage: www.internationalist.tk

تلگرام: <https://t.me/intvoice>

توضیح: سیاست ما درج مکاتبات، رسید نامه ها یا پاسخهای آنها نیست. به یکی از سوال هائی که برای صدای انترناسیونالیستی ارسال شده، با توجه به اهمیت موضوع، سوال و پاسخ را درج می کنیم.

پرسش:

تا رسیدن به شرایط انقلاب کمونیستی چه باید کرد؟ به نظر شما مبارزه صنفی کارگران برای رفاه بیشتر تا رسیدن به آن شرایط لازم نیست؟ اگر پاسخ مثبت است پس چرا عده ای آن را تحت عنوان سندیکالیست محکوم می کنند؟ اصل دیالکتیک تغییرات کمی به کیفی حکم می کند که باید از خرس، کندن مویی هم غنیمت است. درست است؟ به طور کلی منظورم این است که تا آن موقع که نباید نشست. باید کاری کرد. چه کار و یا کارهایی؟

پاسخ:

این پرسش ترکیبی از ۴ سوال است. سوال ۲ (مبارزه صنفی کارگران) و سوال ۳ (تغییرات کمی) اشتباه سوال های اشتباهی هستند. به همه سوالات توضیحات لازم داده میشود.

زمانی که شیوه تولید سرمایه داری هنوز کل جهان هستی را در نوردیده نبود و بورژوازی همچنان نقش مترقی در جامعه ایفا میکرد، بین مبارزه سیاسی و مبارزه اقتصادی تفکیک انجام می شد. اتحادیه ها تشکلی صرفاً اقتصادی (برای مبارزه صنفی) تصور می شدند و مبارزه سیاسی به حزب واگذار می شد که از طریق پارلمان مبارزه را پیش میبرد. اتحادیه ها مدرسه ای بودند برای مبارزه و مبارزه مدرسه ای بود برای کمونیسم. اصلاحات فرصتی بود برای دستیابی طبقه کارگر به بهبود نسبی شرایط زندگی در جامعه سرمایه داری. جامعه سرمایه داری میتواند از طریق مبارزات روزمره، انسانی تر بشود. متأسفانه تفکیک مبارزه سیاسی از مبارزه اقتصادی زمینه را برای ادغام اتحادیه ها در دولت سرمایه مهیا کرد.

با ورود سرمایه داری به عصر انحطاط خود، اتحادیه های کارگری در دولت سرمایه ادغام شدند و مثل آموزش و پرورش، دادگستری و غیره یک نهاد سرمایه را تشکیل میدهند. از سوی دیگر پارلمان نقش مترقی خود را از دست داد. با ادغام اتحادیه های کارگری در دولت سرمایه و ایفای نقش ارتجاعی پارلمان، تشکل یابی مستقل کارگری تنها آلترناتیو کارگران برای پیشبرد مبارزه طبقاتی است. شکل تشکل یابی کارگران نه دلبخواهی و نه حتی به اراده خود کارگران بلکه از تکامل سرمایه داری ناشی میشود. در عصر انحطاط سرمایه داری، ما فقط یک نوع مبارزه طبقاتی داریم. صد سال قبل روزا لوگزامبورگ در اثر خود تحت عنوان «اعتصاب توده ای، حزب و انقلاب» به این مسئله چنین تاکید میکند:

"برای طبقه کارگر دو نوع مبارزه طبقاتی متفاوت، یک مبارزه اقتصادی و یک مبارزه سیاسی وجود ندارد. بلکه فقط یک مبارزه طبقاتی وجود دارد که در آن واحد که استثمار سرمایه داری را در درون جامعه بورژوازی محدود میکند تلاش مینماید که بطور کلی استثمار و جامعه بورژوازی را براندازد."

اتحادیه های کارگری بخشی از دولت سرمایه هستند که وظیفه آنها چه در سرمایه متروپل و چه در سرمایه پیرامونی بعنوان بخشی از نهاد سرمایه، مدیریت فروش نیروی کار، ایفای نقش مشاورین بورژوازی، پائین آوردن تضاد کار و سرمایه از طریق کنترل و محدود نمودن مبارزه طبقاتی است. اتحادیه ها را نمیتوان تغییر داد و یا با رهبران رادیکال کنترل کرد. پانه کوک در اثر ارزشمند خود تحت عنوان "انقلاب جهانی و تاکتیک کمونیستی"، صد سال قبل در رابطه با ماهیت و عملکرد اتحادیه های کارگری چنین می گوید:

"آنچه را که مارکس و لنین بارها و بارها درباره دولت گفتند. اینکه دولت را با وجود یک دموکراسی رسمی نمیتوان بعنوان وسیله ای برای انقلاب پرولتری بکار گرفت، درباره اتحادیه ها نیز صدق می کند. نیروی ضد انقلابی اتحادیه را نه میتوان منکر شد و نه میتوان با تغییر رهبری آن، با جانشین کردن نمایندگان «چپ» یا «انقلابیون» به جای رهبری ارتجاعی، آنرا به کنترل درآورد. این فرم خود تشکیلات است که توانائی توده ها را تنزل میدهد و مانع از آن میگردد که آنرا بعنوان وسیله ای برای نیاز خود بکار گیرند."

مدیران شرکتهای دوراندیش به تجربه دریافته اند که یک اعتصاب بموقع و از پیش برنامه ریزی شده، مهمترین شیوه برای تضمین آرامش محیط کار در آینده است. مدیریت جنرال موتورز در سال ۱۹۷۰ در آمریکا ۳۰ میلیون دلار به اتحادیه UAM قرض داد تا اعتصاب را از لحاظ مالی تامین نماید. اتحادیه ها اولین سنگرهای هستند که در رشد مبارزه طبقاتی، پرولتاریا آنها را تسخیر خواهد کرد.

سندیکالیسم "انقلابی" (آناکوسندیکالیسم) که واکنشی به انحطاط پارلمانتاریستی و رفرمیسم اتحادیه ای در آغاز قرن بیستم بود با نفی مبارزه سیاسی ناچار شد از بین برود مثل آمریکا و یا در دولت سرمایه مثل فرانسه، ایتالیا و غیره ادغام گردد. برای اطلاع بیشتر از مواضع انترناسیونالیستها در رابطه با اتحادیه کارگری میتوان به منابع زیر مراجعه کرد:

- انقلاب جهانی و تاکتیک کمونیستی از پانه کوک
- اتحادیه ها در مقابل طبقه کارگر از جریان کمونیست بین المللی
- بخش هشتم از سری مقالات «کمونیسم کارگری وجدان رادیکال سرمایه» از صدای انترناسیونالیستی

همانطور که از لوگزامبورگ نقل کردیم فقط یک مبارزه طبقاتی وجود دارد که در آن واحد که استثمار سرمایه داری را در درون جامعه بورژوائی محدود میکند تلاش مینماید که بطور کلی استثمار و جامعه بورژوائی را براندازد و طبقه کارگر را به وظیفه تاریخی خود، انجام انقلاب کمونیستی نزدیکتر سازد.

سوالی هم که تحت عنوان "اصل دیالکتیک" مطرح شده، یک برداشت مکانیکی از دیالکتیک است. با این برداشت میتوان اظهار داشت، سرمایه داری را میتوان یواش یواش بهتر کرد و سرانجام به سوسیالیسم رسید! بخاطر اینکه بحث طولانی نشود، از بحث فلسفی در این زمینه صرفنظر می کنیم.

با این توضیحات به سوال اول و چهارم می‌رسیم که در واقع سوال چهارم بخشی از سوال اول است. تا رسیدن به شرایط انقلاب کمونیستی چه باید کرد؟

دخالست فعال در مبارزه طبقاتی و تلاش در راستای آماده‌سازی برای حزب کمونیست انترناسیونالیست و بین‌المللی از وظایف روز انترناسیونالیستها است.

تشدید مبارزه طبقاتی تنها افقی است که پیش روی طبقه ما قرار دارد. چرا که همین شبح مبارزه طبقاتی است که بورژوازی بیش از هر چیزی از آن وحشت دارد، بخاطر آن که مبارزه طبقاتی در روند تکاملی خود منجر به انهدام انقلابی نظام سرمایه‌داری خواهد شد.

در بهمن ۱۳۵۷ زمانی که حتی کلام رادیکالترین چپ سرمایه، از جنایتکاری چون خمینی، ضد امپریالیست ساخته بود، آری در همان بهمن ماه، انترناسیونالیستها اعلام کردند، خمینی مترقیتر از ملکه انگلستان و یا امپراتور اول بوکاسا نیست (مراجعه شود به بیانیه جریان کمونیست بین‌المللی منتشر شده در سایت صدای انترناسیونالیستی).

تلاش و آماده‌سازی تئوریک، سیاسی و تشکیلاتی در راستای تشکیل حزب کمونیست انترناسیونالیست و بین‌المللی، وظیفه روز و حیاتی انترناسیونالیستها است و باید در این راستا خستگی ناپذیر تلاش کنند. یکی از فاکتورهای اساسی در شکست انقلاب آلمان، یک ناپختگی کلی طبقه کارگر آلمان در سازمان‌یابی و ناتوانی انقلابیون آلمان در ساختن حزب انقلابی مسلح به تئوری و آماده‌سازی روبرو شدن بر موج مبارزات کارگری در مقطع مناسب بود. بر عکس انقلابیون آلمان، انقلابیون روسیه در این زمینه شفاف بودند. مدت زمان طولانی کشید تا انقلابیون آلمان بند ناف خود را از جسد مرده (سوسیال‌دمکراسی) ببرند، به همین دلیل هم وقتی حزب کارگران کمونیست آلمان (KAPD) شکل گرفت به عنوان یک سازمان جوان و با تجربه کم‌ظاهر شد.

انترناسیونالیستها ضرورت تشکیل حزب کمونیست را نه از شرایط و ویژگی مبارزه طبقاتی در کشور بخصوصی و در مقطع زمانی خاصی بلکه از شرایط جهانی و ضرورت تاریخی کسب می‌کنند. زمانی که مبارزه طبقاتی نه در کشور بخصوصی چه در سرمایه‌متروپل و چه سرمایه‌پیرامونی بلکه در سطح جهانی به سطحی ارتقاء یافت که جریانات کنونی دیگر پاسخگو نیستند و حزب کمونیست انترناسیونالیست و بین‌المللی باید شکل بگیرد تا همچون یک قطب نمای سیاسی، با رهبری سیاسی پیروزی انقلاب کمونیستی را ممکن سازد.

صدای انترناسیونالیستی

۵ آبان ۱۳۹۸